

همایش علمی مطالعات حقوقی، علوم قضایی و پژوهش های اجتماعی

نهاد برگزار کننده همایش: موسسه قانون یار

((بাহمکاری و حمایت معنوی دانشگاه رهنورد (استان بلخ، کشور افغانستان) - جهاد دانشگاهی استان تهران))

سر دبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی شماره مجوز: ۷۸۸۶۴-۱۵۲۱/۳۳۰

تاریخ برگزاری همایش: ۱۳ خرداد ۱۴۰۰ شماره مقاله: ۱۹/۵۷۹ رده بندی کنگره: الف ۹۰۳/۷۸۵۵

احکام فقهی عرفان های کاذب

تیمور باوند نیا

چکیده

عصر جدید عصر معنویت خواهی لقب گرفته است و در همه جوامع بشری نشانه های روشن از معنویت گرایی نوظهور مشاهده می شود. این وضعیت از طرفی فرصتی خوب و استثنایی در اختیار مدافعان معنویت خواهی حقیقی و مبلغان اسلام راستین برای ارائه نسخه حقیقی هدایت الهی قرار داده ولی از طرفی تهدیدی بسیار خطرناک علیه معنویت خواهی اسلامی به شمار می رود. زیرا ارضای کاذب معنویت خواهی بشر، به وسیله ی عرفان های کاذب به مراتب خطرناک تر از فقدان معنویت است. عرفان های نوظهوری، که هرچند خاستگاه اصلی بسیاری از آنها شرق و به ویژه هندوستان است ولی در بستر مدرنیته غربی رویده اند و با مبانی فرهنگ غربی کاملاً سازگارند. "پلورالیسم" و "اومانیسم" و "سکولاریسم" همگی از مبانی یا محصولات مدرنیته اند که در عرفان های نوظهور به صورت صریح یا ضمنی مورد پذیرش قرار گرفته اند. عرفان های نوظهور غربی فعال در ایران با اعتقاد به مظاهر کفر و الحادی همچون حلول و تناسخ و تفویض و اباحی گری و انکار برخی اصول و فروع دین مقدس اسلام و... به ستیزه با دین مقدس اسلام برخاسته اند. در این صورت از منظر احکام فقهی از مصادیق افساد فی الارض، ارتداد و بدعت می باشند. از منظر احکام حقوقی، شامل حقوق موضوعه می باشند

واژگان کلیدی: عرفان های کاذب، عرفان ناب، افساد فی الارض، ارتداد، بدعت، فقه

قرآن این کتاب آسمانی به ما می آموزد که انسان به گونه ای آفریده شده است که ذاتاً به خداوند متعال گرایش دارد؛ مانند فطری بودن توحید، فطری بودن حق طلبی و مفاهیمی از این قبیل که همه ما کمابیش در کتاب ها مطالعه کرده ایم و این نشان از آن دارد که انسان به گونه ای آفریده نشده است که یله و رها، فاقد سمت و جهت در هر مسیر قدم بردارد. اما امروزه گاهائسل جدید برای رسیدن به آرامش به هر کاری دست می زند تا خویشتن درونش را آرام کند. تمام مشکلات بشر از زمانی آغاز شد که انسان از مسیر توحید و الوهیت فاصله گرفته و به انحراف کشیده شد. خیزش تمدن گرایی مادی از سده های پیش آغاز شده و اندک اندک سایه تاریکی را بر سر بشریت گستراند. پس از اندکی تفکر، بشر در می یابد که اشکال اساسی از این نقطه است که از جهت اصلی خلقت منحرف شده است؛ او خود را در برابر این نتیجه می بیند که به هر میزان در مسائل، بیشتر پیشرفت کرده، بر مشکلاتش افزوده شده است. از این رو، به این می اندیشد که از گرایش های مادی کاسته، به معنویت روی آورد و این همان گمشده ای است که انسان، آن را در زیرخوارها خاک هوا و هوس خود لگدمال کرده است. در این مسیر برخی به طبیعت گرایی و دوری از تمدن های پیشرفته و مظاهر مدرن روی می آورند و برخی از انسانها درصدد برآمدند به دنبال روشهایی که اسم آنها "عرفان" گذاشته اند، رفته و با اتخاذ گرایشهایی که به نوعی به ریاضت و مراقبت و امثال آن مرتبط است؛ خاستگاه و نیازهای خود را جهت دهند. اما آیا توانسته اند نیازهای مستمر درونی بشر را پاسخی درخور دهند؟ یکی از عوامل مهمی که از دیرباز تا کنون، وحدت مسلمانان را با آسیب های جدی مواجه کرده است و یکپارچگی آن را خدشه دار نموده است؛ ظهور فرقه ها و مذاهب دروغین و ساختگی است و این فرقه های انحرافی، که به واسطه جاه طلبی، دنیادوستی، منفعت طلبی و بی دینی پایه گذاران این فرق به وجود می آیند، همواره به دلیل جهالت پیروانشان مورد پذیرش قرار می گیرند. بدیهی است برای مقابله با جهل، بایستی غبار خرافه ها و بدعت ها از اسلام زدوده شود و تعالیم ناب اسلامی بدون تحریف و دخل و تصرف میان مسلمانان رواج یابد. در این صورت است که می توان به برجیده شدن بساط جهل از جوامع اسلامی امیدوار بود و این

رسالت خطیر، به عهده‌ی عالمان و متفکران اسلامی می‌باشد. اما علاوه بر عامل جهالت، یکی از مهمترین عواملی که باعث ایجاد و رشد فرقه‌ها و مذاهب ساختگی گردیده، دست استعمار بوده است. از آن هنگام که به منظور غارت منابع طبیعی و خدادادی مسلمانان به کشورهای اسلامی نفوذ کردند، این نکته را به خوبی دریافتند که تا زمانی که دستورات و احکام اسلامی و قرآن در میان مسلمانان نافذ است و تا هنگامی که یک فتوا به عنوان بزرگترین حکم مذهبی توانایی برانگیختن مسلمین و به خطر انداختن منافع شان را دارد و قادر به دستیابی به مقاصد خود نخواهند بود؛ چنانکه لرد گلاسون نخست وزیر وقت انگلستان در قرن ۱۹ میلادی در یکی از جلسات پارلمان این کشور قرآن را به دست گرفته و گفته بود تا این کتاب، در میان مسلمانان است، کاری از انگلستان درباره‌ی آنها برنمی‌آید. استعمارگران به منظور اجرای سیاست‌های خود با ایجاد تفرقه در میان مسلمین و تأسیس فرقه‌ها و مذاهب جدید دروغین، حمایت از شیادان کردند تا فرق ضاله‌ای، همچنان بایست و بهائیت در ایران و وهابیت در منطقه نجد و عربستان و قاریانی در پاکستان و... رواج یابد. متأسفانه طی سالهای گذشته، موج این نوع فرق ضالّه و انحرافی به کشور اسلامی ما وارد شده که مکاتب معنوی گوناگون و آمیزه‌ای از مکاتب شرقی و غربی با برجسب “عرفان” سراسیمه وارد بازار معنویت جویی شده است. توجه بسیار به این روش‌ها و تبلیغات اغواگرانه گروه‌های مورد اشاره به آنجا منتهی می‌شود که هر کدام از این نحله‌ها و سیاق‌ها، رنگ و بویی مذهبی به خود گرفته و ظهور و بروز ایشان در قامت دین در جامعه شکل گرفته است. یکی در قامت عرفان‌های نوظهوری مانند “عرفان کیهانی” و دیگری خود را دارای شور جوانی دانسته و “شیطان‌پرستی” را شیوه آرامش معرفی می‌کند. اگر چه همه این موارد فاقد هویت و ارزش فطری است، اما متأسفانه گسترش اباحی گری در این قاموس به حدی می‌رسد که عرصه حیات فطری را بر بشر تنگ می‌کند. طرفداران این عرفان‌های نوظهور در لوای خاستگاه فطری بشر و قداست‌های اعتقادی آن، شیوه‌های جدیدی را برای پرستش توحیدی ارائه می‌کنند که به ظاهر با آهنگی مقدس و پرجاذبه مطرح شده که اینها، نه ازدین آشنایی داشته و نه درد دین دارند و جوانان بسیار پاک و

مخلص اما ناآگاه را جذب می‌نمایند. از این رو بر آن شدم تا پژوهشی در مورد این موضوع و بررسی احکام فقهی آن انجام دهم.

بخش اول: مفهوم عرفان

بند اول: عرفان در لغت

عرفان در لغت و در مفهوم عام، وقوف به دلایل و رموز چیزی در مقابل علم سطحی است و یافتن اشیا به طریق کشف و شهود می‌باشد (عمید، ۱۳۶۱، ص ۸۳۳). در لغت شناختن، شناختن حق تعالی معنی می‌دهد. راغب عرفان را "شناخت" معنی کرده است. "المعرفة و العرفان إدراك الشيء بتفكير وتدبر لأثره وهو أخص من العلم ويضاده الإنكار، ويقال فلان يعرف الله ولا يقال يعلم الله" (راغب اصفهانی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۳۳۱). ابن اثیر عرفان را مخالف گمراهی می‌داند "فإن جاء من يعترفها" (ابن اثیر، ۱۹۶۳م، ج ۳، ص ۲۱۷). ازهری عرفان را صبر من عرفها، فجاء رجل يعترفها" (ابن اثیر، ۱۹۶۳م، ج ۳، ص ۲۱۷). ازهری عرفان را صبر معنی کرده است. "قال أبو عبيد و غيره: نزكك به مصيبة فوجد صبورا عارفا" (ازهری، ۱۹۶۴م، ج ۲، ص ۲۰۷؛ ابن منظور، ۱۹۹۷م، ج ۳، ص ۱۴۷). ابوهلال عسکری بین علم و معرفت تفاوت قائل است و می‌گوید؛ عرفان علمی از علوم الهی است که موضوع آن شناخت حق و اسماء و صفات اوست و بالجمله راه و روشی که اهل خدا برای شناسایی حق انتخاب کرده اند، عرفان نامیده می‌شود (ابوهلال عسکری، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۸۰؛ ابن منظور، ۱۹۹۷، ج ۹، ص ۲۳۶؛ فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۱۲۱). به معنای بدیع، تازه، نو، نوآمده، نارس، نوپیدا و بدعت می‌باشد (عمید، ۱۳۶۱، ص ۸۱۷).

بند دوم: عرفان در اصطلاح

از کاربرد این اصطلاح در ذهن، شناخت خدای سبحان، دلدادگی به او و رعایت ادب و خلوص و پیمودن راه بندگی او تداعی می‌شود. سعیدی در اصطلاحات عرفانی ابن عربی، عرفان را به معنای "شناختن، بازشناختن و دانستن پس از نادانی" می‌داند و در اصطلاح؛ خداشناسی و شناخت حضرت حق تعالی می‌داند (سعیدی، ۱۳۸۷، ص ۵۲۸). معروف

کرخی (۲۰۱ه.ق) می گویند؛ عرفان یافتن حقایق هستی و صرف نظر از آن چیزی است که مردم دارند (رفیق العجم، ۱۹۹۹م، ص ۱۷۹). عبدالرزاق قاسانی (۷۳۶ه.ق) می گویند؛ عارف کسی است که خداوند ذات و صفات و اسماء و افعال خود را به او نمایانده است. بنابراین عرفان حالتی است که از شهود ذات، صفات، اسماء و افعال حق حاصل می شود (قاسانی، ۱۳۷۲، ص ۱۲۴). آیت الله جوادی آملی می گویند؛ عارف یعنی توجه مستمر درونی و فکری کسی که به طرف قله می رود، به منظور تابش نور باشد (جوادی آملی، ۱۳۷۲، ص ۳۵). از دیدگاه داوود قیصری (۷۵۱ه.ق) عرفان عبارت است از معرفت به خدای سبحان از جهت اسماء و صفات و ظاهر و احوال و مبدأ و معاد و حقایق عالم و چگونگی بازگشت آنها به یک حقیقت که همان ذات احدیت می باشد. همچنین شیوه سلوک و مجاهدت برای رهانیدن نفس از تنگناها، قیدوبندهای جزئی و رسیدن به مبدأ و موصوف شدن به وصف اطلاق و کلیت می باشد، با این بیان فایده عرفان نیز معلوم شد (یثربی، ۱۳۸۷، ص ۲۳۲).

بخش دوم: سیر تاریخی سیره و سنت در تقابل با عرفان های نوظهور

بند اول: نوع برخورد ائمه (ع) با اندیشه های انحرافی

۱. برخورد رسول خدا با منحرفین

ظهور و پیدایش این جریانات انحرافی، توسط پیامبر (ص) پیش بینی شده بود. پیامبر (ص) فرموده اند: “قبل از رستخیز، گروهی از امت به نام صوفیه ظاهر می شوند که از من نیستند، آنان یهود امت منند، برای گفتن ذکر، حلقه می زنند و صدایشان را به گفتن آن بلند می کنند؛ براین تصورند که راه نیکان را می پویند در صورتیکه از کفار گمراه تر و اهل آتش دوزخ اند. نظیر الاغ عرعر می کنند و سخنان افراد نیک کردار را بر زبان می آورند، ولی در کردار چون فاسقان و فاجرانند. با علما در ستیزند و از ایمان برخوردار نیستند، از انجام کارهای خود خرسندند، با اینکه اعمال آن ها جز خستگی سودی برایشان ندارد” (قمی، ۱۳۵۲، ج ۵، ص ۲۰۰، ح ۶۸۲۳). در یکی از سخنان گهربارشان خطاب به علی (ع) فرمودند:

“ای علی! پس از من، اتم از جهت نوع نگرش درباره شخصیت توست گروه خواهند شد؛ جمعی شیعیان تو هستند و آنان مؤمنانند، گروهی دشمنان تو خواهند بود و آنان پیروان شک و تردید هستند و دسته ای از آنان درباره تو غلو و افراط خواهند کرد و آنان منکران خدایند” (مجلسی، ۱۴۰۴، ص ۲۶۵). حدیث معروفی که از رسول خدا با عبارت های متفاوت روایت شده که همواره در هر نسلی، در هر عصری مردانی به دفاع از حق و نفی بدعت ها و زدودن تحریف ها و پیرایه ها از پیکره دین قیام می کنند که این خبر دادن از موضع متعهدانه علمای زبده و مذهب است. از جمله این روایت که: “یحمل هذا الدین فی کل قرن عدول ینفون عنه تاویل المبطلین و تحریف اغالین وانتحال الجاهلین کما ینفی الکیر خبث الحدید” (مجلسی، ۱۴۰۴، ص ۳۶۳).

۲. برخورد امام علی علیه السلام با منحرفین

اندیشه های انحرافی در دوران خلافت امیرالمؤمنین (ع) بروز محسوسی یافت. حضرت علی (ع) گروهی از غالیان را در آتش انداخت. در این زمینه روایات متعددی مربوط به افراد متعدد است که نشانگر تحقق این امر است که گروهی در ماه مبارک رمضان روزه نمی گرفتند، وقتی که با اعتراض علی (ع) رو به رو شدند گفتند: «أنت أنت [یعنی تو خدائی] حضرت آنان را در آتش افکند. این اندیشه یک سال یا در این حدود پنهان ماند. سپس عبدالله بن سبا که مردی یهودی و متظاهر به اسلام بود، بعد از مرگ امیرالمؤمنین آنرا اظهار کرد و گروهی از وی پیروی کردند که سبیه نامیده شدند و گفتند علی نمرده و او در آسمان است و رعد و برق صدای اوست و به آن سلام می کردند (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸، ص ۱۲۰). حضرت در برائت از غلات فرمودند: “بارالها! من از گزافه گویان دوری و برائت می جویم؛ مانند دوری جستن عیسی بن مریم از نصارا. بارالها! آنان را برای همیشه ذلیل گردان و هیچ یک از آنان را یاری منما” (مجلسی، ۱۴۰۴، ص ۲۸۴).

۳. برخورد امام باقر علیه السلام با منحرفین

“کلینی” به سند معتبر از “سیدرصفی” روایت کرده است: من روزی از مسجد بیرون می آمدم و امام باقر علیه السلام داخل مسجد می شد، دست مرا گرفت رو به کعبه کرد و فرمود: “ای سدید! مردم مأمور شدند از جانب خداوند که بیایند و این خانه را طواف کنند و به نزد ما آیند و ولایت خود را بر ما عرضه نمایند.” سپس فرمود: “ای سدید! می خواهی کسانی را که مردم را از دین خدا جلوگیری می دهند به تو نشان دهم؟ آنگاه به ابوحنیفه و سفیان که در مسجد حلقه زده بودند نگریست و فرمود: “اینها هستند که بدون هدایت از جانب خدا و سندی آشکار، از دین خدا جلوگیری می کنند. اگر این پلیدان در خانه های خود بنشینند و مردم را گمراه نکنند، مردم به سوی ما می آیند و ما ایشان را از جانب خدا و رسول خبر می دهیم.” در این روایت از “سفیان ثوری” (۱۶۱ هجری) که از سران صوفیه محسوب می شده، به شدت انتقاد شده است و ضمناً امام باقر علیه السلام در این حدیث به خطر آن دو نفر که سمبل دو جریان و حرکت آن زمان بودند و دستگاه خلافت آنها رادر مقابل خاندان رسالت تراشیده بود، اشاره کرده است (کلینی، ۱۳۸۸ق، ص ۳۹۲). “ابومنصور عجل” ملقب به “کسف” از غالیان مشهور، در اوایل سده ۲ ق – ۸ م ظهور کرد. پیروانش به “منصوریه” شهرت داشتند. ابومنصور با تبلیغ عقیده “اباحیه” برای پیروانش جمیع محارم را حلال می شمرد و واجبات و فرائض را از آنان ساقط می دانست. وی اصحابش را به کشتن غافلگیرانه مخالفان فرا می خواند و منصوریه بر این باور بود که اگر کسی از آنان ۴۰ نفر از مخالفان را بکشد، بهشتی است. وی که خود را وابسته به امام باقر معرفی می کرد ولی از جانب آن حضرت طرد شد و امام از وی تبری جست. اما بعد از وفات امام باقر (ع) مدعی شد که امامت به وی منتقل شده و گروهی در کوفه وی را پیروی کردند (شهرستانی، ۱۳۶۴، ص ۲۰۹).

۴. برخورد امام صادق علیه السلام با منحرفین

در دوران امامت امام صادق (ع) گروههای زیادی با آراء و اندیشه های انحرافی از غلات و صوفیه و مکاتب مادی به وجود آمدند. از جمله فعالیتهای فرهنگی امام صادق (ع) مبارزه با

افکار الحادی و اندیشه‌های مادی‌گری بود. از قبیل بیانات و رهنمودهای کلی در زمینه مسائل اعتقادی به ویژه مسائل مربوط به توحید مباحثات و مناظرات رسمی با سران گروه‌های الحادی و سران مادی‌گرایی مثل ابن ابی العوجاء، ابن مقفع، زندیق مصری به نام عبدالملک و... به برخوردهای موردی و مبارزه با تفکر زندیقان و مادی‌گرایان پرداخته و از اصول و مبانی اعتقادی مکتب تشیع پاسداری کردند (شیخ عباس قمی، ۱۳۵۲، ص ۲۸۵). امام صادق (ع) درباره آنان می‌فرماید؛ خدا و پیامبرش نیز از ایشان بیزارند. آنان با آیین من و پدرانم رابطه‌ای ندارند. امام صادق (ع) در برخورد حضوری با سران صوفیه ایشان را به اشتباه و انحراف خود توجه داده، نصیحت و ارشادشان می‌فرمود. نمونه بارز آن گفتگویی است که میان آن حضرت و سفیان ثوری در همین رابطه رخ داده و موجب شکست و سرافکندگی وی شده است (طوسی، ۱۳۴۸: ۳۰۰). امام صادق (ع) در خطاب به یکی از یاران خود فرمودند: ای مصادف "اگر عیسی (ع) در خصوص آنچه نصارا درباره او می‌گفتند سکوت می‌کرد، سزاوار بود خداوند شنوایی و بینایی‌اش را از او بگیرد و اگر من درباره ابوالخطاب سکوت کنم سزاوار است خداوند همین بلارا بر سرم آورد" (طوسی، ۱۳۴۸، ص ۲۹۹). ابوالخطاب کسی بود که مدعی نبوت و الوهیت ائمه اطهار (ع)، سپس ادعای الوهیت خویش را مطرح کرد. وی خود را امام دانسته (شهرستانی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۲۱۰)، و سپس مدعی نبوت و رسالت خود شد و حتی خود را در زمره ملائکه و فرستاده‌ای به سوی زمینیان و حجت بر آنها معرفی کرد (اشعری قمی، ۱۳۶۰، ص ۵۱). وی که اباحی‌گری می‌کرد، مدعی بود امام صادق علیه السلام به او فرموده است وقتی به حق رسیدی هر کاری می‌خواهی انجام بده (صدوق، ۱۳۷۹، ص ۳۸۸). او می‌گفت: هر کس امام را بشناسد هرچه بر وی حرام بوده است، حلال می‌شود (قاضی نعمان، ۱۳۸۳ق، ص ۵۰). وی مدعی بود هریک از عبادات دارای باطنی است و خداوند بر اولیای خویش، خواص و کسانی که ائمه اطهار (ع) و ابواب را بشناسند، نماز و زکات و سایر امور را واجب نکرده و هیچ چیز را بر آنان حرام نکرده است و حتی نکاح مادران و خواهران را برایشان مباح کرده است (ابن اثیر، ۱۳۸۵ق، ص ۲۸)، و منکراتی همچون فحشا، شراب، بت‌ها و واجباتی همچون نماز و روزه نام مردانی هستند (طوسی، ۱۳۴۸: ۲۹۱).

بند دوم: سیر تاریخی آرا فقها در تقابل با عرفان‌های کاذب

۱. ابعاد اندیشه‌های منحرفین

آراء و اندیشه‌های منحرفین دارای دو بعد کلی است که هر کدام بر مبانی و اصول خاصی استوارند؛ بعد الحادی و بعد غیرالحادی.

الف. بعد الحادی

مهمترین اصول مطرح در بعد الحادی بدین قرارند؛ رساندن افراد به مقام الوهیت و ربوبیت، اعتقاد به الوهیت پیامبر و ائمه اطهار علیهم السلام، اعتقاد به شریک بودن با خداوند در معبودیت یا خالقیت و یا رازقیت، اعتقاد به حلول جزء الهی در افراد و حلول خداوند در آنها یا اتحاد خداوند با آنان، اعتقاد به حلول روح انبیا و نبی اکرم در افراد و تناسخ ارواح ائمه در بدن‌های یکدیگر، باور به تشبیه و تجسیم، اعتقاد به نبوت درباره ائمه طاهرین، تأویل‌های باطنی و برداشتی التقاطی از بداء، آگاهی آنان از غیب بدون وحی و الهام الهی، عدم لزوم اطاعت خداوند و ترک معصیت الهی به دلیل معرفت آنان.

ب. بعد غیرالحادی

محورهای عمده بعد غیرالحادی را می‌توان در این موارد خلاصه کرد؛ اعتقاد به تفویض علم و قدرت امام، اباحه‌گری، تأویل، بدعت.

۲. سیر تاریخی اندیشه‌های انحرافی فرقه‌های ضاله و احکام صادره توسط فقها

الف. اعتقاد به الوهیت و نبوت در فرقه‌های ضاله پیشین

یکی از اندیشه‌های انحرافی برخی از فرق ضاله پیشین این است که ائمه معصوم را فرزندان و دوستان خدا (ابناء الله و احبائه) می‌دانستند (شهرستانی، ۱۳۶۴، ص ۲۱۰؛ اسفراینی، بی‌تا، ص ۳۲۰). غلات لفظ "اله" را به امام اطلاق کرده و می‌گفتند: "هو الذی فی السماء اله و فی الارض اله، قال هو الامام". ایشان مدعی نبوت ائمه اطهار علیه السلام شدند (شهرستانی،

۱۳۶۴، ص ۲۱۰). فرقی ضاله معتقد بودند که روح خدا در بدن پیغمبر و امامان حلول کرده و با آنها اتحاد داشته است. مانند نصاری که قائل به حلول لاهوت در ناسوت شدند و در این حال طبیعت آدمی به شکل طبیعت الهی در می آید (طوسی، ۱۴۱۴، ص ۵۴؛ یحیی الامین، ۱۳۷۸، ص ۳۴۵). فرقی ضاله به نبوت ائمه معصوم علیه السلام، حلول روح خداوند در اشخاص، الوهیت ائمه اطهار علیه السلام و به ویژه الوهیت امام جعفر صادق علیه السلام اعتقاد داشتند (نوبختی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۲۲). الوهیت پیامبر و امامان فقط به یکی از این جهات است که آنها مانند خدا معبودند یا درخلق و رزق عباد دخالت دارند یا خداوند در آنان حلول کرده و یا با آنان متحد شده است. آنان غیب را بدون وحی دانسته و اعتقاد به اینکه امامان پیامبر هستند و تناسخ برخی ارواح آنان در جسد دیگری وجود دارد (مجلسی، ۱۴۰۴، ص ۳۴۶). از آنجا که اعتقاد به الوهیت بیشتر درباره علی (ع) و امامان بعد از وی بوده است؛ شیخ مفید به معرفی آنان پرداخته و حکم به کفر و خروج اسلام ایشان کرده است: "والغلاة من المتظاهرين بالاسلام هم الذين نسبوا اميرالمومنين والائمة من ذريته عليهم السلام الى الألوهية و النبوة و وصفوهم من الفضل في الدين و الدنيا الى ماتجاوزوا فيه الحد و خرجوا عن القصد و هم ضلال كفار حکم فيهم اميرالمؤمنين عليه السلام بالقتل و التحريق بالنار و قضت الائمة عليهم بالاكفار و الخروج عن الاسلام" (مفید، ۱۳۶۳، ص ۶۳). علامه حلی در "انوارالملکوت" علت اینکه اینها دچار خطا شده اند را اینطور گفته که کرامات علی (ع) را دیدند. [لذا او را خدا یا پیامبر تصور کردند] یاران پیامبر که شاهد معجزات و اخبار غیبی آن حضرت بودند از دیدگاه های بهتری برخوردار بودند و بهره عقلی بیشتری داشتند. اما غالیان مردمی ضعیف العقل و کج اندیش بودند؛ لذا عجیب نیست که از دیدن معجزات قائل شوند که جوهره الهی در علی (ع) حلول کرده است (حلی، ۱۳۶۳ش، ص ۲۰۲).

ب. اعتقاد به تناسخ و انکار قیامت

انتقال ارواح از بدن های مادی به بدن های مادی دیگر به هنگام مرگ و یا انتقال نفس از بدن عنصری یا طبیعی به بدنی غیراولی "تناسخ" نامیده می شود (ملاصدرا، ۱۳۶۸، ص ۴). یکی از اندیشه های انحرافی این بود که برخی از ایشان انکار قیامت می کردند (مقدسی،

بی‌تا، ص ۱۳۱)، همین مطالب موجب اعتراض عده ای از فقها شده و زبان و قلم برتکفیر قائلان آن گشوده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۴: ص ۲۰۸). یکی از اندیشه های انحرافی در فرق ضاله قول به اشباح و اظلال بود؛ بدین معنی که ارواح قبل از خلقت آدم به صورت شبخ ها وسایه ها وجود داشتند. آنان حدیثی از حضرت علی (ع) نقل می کنند که ما ظلال و سایه هایی بودیم برطرف راست عرش. شیخ مفید معتقد است معنای حدیث (بر فرض صحت) طبق آنچه اصحاب تناسخ گفته اند، نیست که ارواح ذوات فعال و مأمور بوده اند و در عالم ذر خلق شده و دارای شناخت، تعقل، فهم و نطق بوده اند. پس خداوند اجسام را خلق کرده و آنان وارد بر اجسام شده اند! بلکه خداوند ارواح را قبل از ایجاد اجساد در علم خود مقدر کرده، آنگاه خداوند اجساد را ایجاد کرده و سپس ارواح را برای آنها ایجاد نموده است. پس خلقت ارواح قبل از اجساد خلقت تقدیری در علم الهی است. شیخ مفید اخبار مربوط به عالم ذر را توجیه می کند و اعتقاد مربوط به ظلال و سایه را مربوط به اهل تناسخ می داند. شیخ مفید معتقد به آنرا گمراه می داند (شیخ مفید، ۱۳۶۳، صص ۲۰۷-۲۰۹). امام رضا علیه السلام قائلین به تناسخ را کافر می دانند. یا أبا الحسن ما تقول فی القائلین بالتناسخ؟ فقال الرضا (ع): "من قال بالتناسخ فهو کافر" (صدوق، ۱۳۷۸، ص ۲۱۸). شیخ صدوق تناسخ را باطل می داند. القول بالتناسخ باطل ومن دان بالتناسخ فهو کافر، لأن فی التناسخ إبطال الجنة و النار (صدوق، الإعتقادات، ۱۳۷۱، ص ۶۳). تناسخ در نظر قائلان به امکان تناسخ به دو طریق امکان می پذیرد؛ تناسخ نزولی و تناسخ صعودی.

۱) تناسخ نزولی

انتقال نفس انسانی در هنگام مرگ از بدن مادی به ماده دیگر است و فرقی نمی کند که بدن دوم در این انتقال، بدن انسانی باشد یا غیر انسان که به روش های ذیل تحقق می یابد.

- "نسخ": انتقال به بدن انسانی پست که "نسخ" نامیده می شود (سهروردی، ۱۳۷۳، ص ۲۱۷).

- "مسخ": انتقال به بدن حیوانی که "مسخ" نامیده می شود (ملاصدرا، ۱۳۸۰، ص ۴۳۷).

شیخ مفید علیه الرحمه این نظر را اساس تفکر غُلّات محمدیه می داند و معتقد است که عمر برای اولین بار آن را مطرح کرده و اولین خلاف بعد از رسول خدا(ص) سخن عمر بن خطاب است (مفید، ۱۴۱۴، ص ۲۴۱). سبائیه منکر رحلت امیرالمؤمنین هستند و ادعای حیات و بقاء وی را دارند (شهرستانی، ۱۳۶۴، ص ۱۳۱)، آنان معتقد بودند که خداوند محمد(ص) را خلق کرده، آنگاه خلق جهان و تدبیر عالم را به او واگذار کرده است. پس وی خالق جهان است نه خدا. پس از وی تدبیر جهان به علی بن ابی طالب واگذار شده و او مدبر دوم جهان است. برخی از آنان تصور کرده اند که بعد از امام علی(ع) امور جهان به امام حسین(ع) واگذار شده و او مدبر سوم عالم است و نمرده و امر مرگ وی بر مردم مشتبّه شده است. شیخ مفید به این گروه اشاره داشته و عقیده آنان را باطل می داند (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ص ۱۶۶۷). شیخ مفید درباره معتقدات این عده اظهار نظر کرده و عقائد آنان را باطل می داند. وی پیامبر و امامان را مانند دیگران بشر دانسته که دارای رشد و ضعف حیات و مرگ هستند. در اوائل المقالات آمده است؛ “فرستادگان خدا از بشرند. پیامبران و امامان از خلقهای خدا می باشند، حادث شده و مصنوع خداوند هستند و دارای درد بوده و برای آنان لذت به وجود می آید. جسمهای آنان با غذا رشد می یابد و به مرور زمان ضعیف شده و مرگ را دریافته و فانی می شوند. اجماع اهل توحید بر این نظر است” (شیخ مفید، ۱۴۱۳، ص ۷۲).

ت. اعتقاد به تفویض در فرقه های ضاله پیشین

قول به تفویض از دیگر عقائد مهم غُلّات است. برخی اینان پیامبر را مخلوق خدا دانسته و جهان را مخلوق ائمه یا پیامبر می دانند. شیخ مفید درباره این گروه می نویسد: “والمفوضة صنف من الغلات و قولهم الذی فارقوا به من سواهم من الغلاة اعترافهم. بحدوث الأئمة و خلقهم و نفی القدم عنهم و اضافة الخلق و الرزق مع ذلك اليهم و دعويهم ان الله سبحانه و تعالى تفرد بخلقهم خاصة و انه فوض اليهم خلق العالم بما فيه و جميع الافعال” (مجلسی، همان، ص ۳۴۵).

یاسر خادم از امام رضا(ع) از معنای تفویض سؤال می کند. حضرت می فرماید: "خداوند موردینی را به پیامبر واگذارده است چنانچه در مصحف شریف می فرماید؛ (آنچه رسول آورده است بگیرید و از آنچه نهی کرده اجتناب نمایید). اما خلق ورزق عباد را به وی وا نهاده" (علامه مجلسی، همان، ص ۲۲۹). شیخ مفید نیز در آثارش آورده است: "کسانی که تصویری کنند خداوند امور خلقت ورزق را به حجت های خود واگذارده است، تفویض را پذیرفته و قائل به تفویض مشرک است" (صدوق، ۱۳۷۹، ص ۱۹).

ث. اعتقاد به حلول در فرقه های ضاله پیشین

از عقائد باطل فرقه های ضاله پیشین همچون "غلات" اعتقاد به حلول حق در پیامبر و امامان و یا منتسبان به آنان بوده است. فرقه حلاجیه معتقد به حلول و تجلی حق در افراد و اشخاص می باشد. عالمان شیعه با عقائد حلاجیه به مبارزه پرداختند و شیخ مفید در مقدمه کتاب "امالی" در رد آنان مطالبی نگاشته است. شیخ مفید در کتاب مسائل صاغانیه آنان را جزو باطل گریان معروف به فسق و خارج از ایمان می داند (شیخ مفید، بی تا، ص ۵۸).

ح. اعتقاد به اباحی گری در فرقه های ضاله پیشین

اباحی گری از دیگر عقاید باطل فرقه های ضاله پیشین همچون "غلات" بود. آنان با آزاد گذاشتن افراد در ترک واجبات و ارتکاب محرمات زمینه را برای جذب افراد فاسد فراهم می کردند و هیچ عملی را واجب و هیچ دستوری را حرام نمی دانسته اند. رهبر غلات مدعی بود امام صادق (ع) به او فرموده است وقتی به حق رسیدی، هر کاری می خواهی انجام بده (صدوق، ۱۳۷۹، ص ۳۸۸). همچنین می گفت هر کس امام را بشناسد هر چه بروی حرام بوده است حلال می شود. (قاضی نعمان ۱۳۸۳ق، ص ۵۰۰) او مدعی بود خداوند بر اولیای خویش، خواص و کسانی که ائمه اطهار علیه السلام و ابواب را بشناسند، نماز و زکات و سایر امور را بر او واجب نکرده است و هیچ چیز را بر آنان حرام نکرده و حتی نکاح مادران و خواهران را بر ایشان مباح کرده است (ابن اثیر، ۱۳۸۵ق، ص ۲۸۸).

در نقلی آمده است هرگاه انجام واجبی بر یارانش سخت می آمد نزد او می آمدند و از او می خواستند آن واجب را از آنان بردارد. او نیز آنان را به ترک آن واجب فرا می خواند (قاضی نعمان، ۱۳۸۳ق، ص ۵۰). ابن قتیبه اشاره دارد ابوالخطاب یارانش را به شهادت دروغ در برابر مخالفان امر می کرد و خون و زنان مخالفان را بر یارانش حلال می دانست (قاضی نعمان، ۱۳۸۳ق، ص ۵۰). در زمان امام حسن عسکری (ع) فردی به نام علی بن حسکه بود که معرفت امام را کافی از نماز، روزه، زکات و خمس می دانست که حضرت وی را طرد کرد و دستور داد از وی برائت بجویند و در صورت امکان او را مضروب کنند (مجلسی، ۱۴۰۴، ص ۳۱۶)، همانگونه که ذکر شد حرمتی برای زنا و همبستر شدن با محارم و غلمان قائل نبودند. رسوبات این فکر به گونه ای ظریف در بین عوام وجود داشته و این عقیده مشابه اعتقاد مرجیه است که می گفتند ایمان قلبی کافی است نیازی به عمل نیست که شیخ مفید وجود "شرایع" را دلیل بررد این عقیده دانست.

خ. اعتقاد به کرامات و علم غیب مطلق و ذاتی ائمه در فرقه های ضاله پیشین

ابوبصیر به امام صادق (ع) عرض کرد که آنها میگویند شما عدد قطره های باران و ستارگان و برگ های درختان و نیز وزن آنچه در دریاست و عدد خاک ها را می دانید. امام صادق (ع) با شنیدن این سخنان سر به سوی آسمان بالا برد و فرمود: "سبحان الله! سبحان الله! نه به خدا سوگند! اینها را جز خداوند نمی داند." (طوسی، ۱۳۴۸، ص ۱۹۳). شیخ مفید در اوائل المقالات علم غیب معصومین را محدود و مقید می داند و بعد از اینکه اعتقاد غلات را مبنی بر نمرود پیامبر و امام رد می کند، درباره حالت معصومین در جهان آخرت می نویسد رسول خدا و امامان از عترتش به خصوص بعد از مرگ احوال شیعیان در دنیا بر آنان مخفی نمی ماند، زیرا خداوند آنان را مطلع می کند و این اعتقاد تمام فقهای امامیه است. بنابراین علم بالاستقلال را از آنان نفی می کند اما علم با الهام الهی را می پذیرد حتی بعد از مرگ. امامان از عقائد پنهانی برخی مردم آگاه بودند و حوادث را قبل از وقوع آن می شناختند. این می تواند از صفات امامت باشد و نه شرط آن. فقط خدا آنان را گرامی داشته و

به این امور آگاه ساخته است که باعث اثبات امامتشان می باشد (شیخ مفید، ۱۴۱۳، ص ۶۷)، البته در ساحری، جادوگران ادعای علم غیب کامل دارند.

در جمع بندی اندیشه های انحرافی سخن علامه مجلسی در خور توجه است. وی چنین می نویسد: قول به الوهیت انسان، پیامبر و ائمه و اعتقاد به واگذاری خالقیت و رازقیت به انسان از افکار غلوآمیز است. اینان آدمیان را به خدا تشبیه کرده اند و حلول، اتحاد، تناسخ، اباحی گری، قول به اشباح و اعتقاد به علم غیب بالاصاله برای امام و بدون وحی و الهام الهی برخاسته از اندیشه اینان است و معتقد به آن گمراه می باشد. همچنین اعتقاد به الوهیت انسان که مانند خدا معبودند یا در خلق و رزق عباد دخالت دارند. همچنین اعتقاد به اینکه خداوند در آنان حلول کرده و یا با آنان متحد شده است. همچنین اعتقاد به اینکه امامان پیامبر بوده و تناسخ برخی ارواح آنان در جسد دیگری یا اعتقاد به اینکه شناخت امامان، انسان را از جمیع کردارها بی نیاز می کند و احتیاجی به ترک گناهان نیست. لذا اعتقاد به هر یک از این نظرات بی دینی، کفر و خروج از اسلام را در پی دارد و دلائل عقلی آیات قرآن و اخبار بر آن دلالت دارند (قمی، ۱۳۵۲، ص ۶۶۷).

نتیجه گیری

با توجه به آنچه در این مقاله بیان شد؛

عرفان در معنای عام نوعی معرفت باطنی، شهودی، قلبی و اشراقی یعنی غیر استدلالی، غیر حسّی و غیر تجربی است که متعلّقش خداوند متعال و امور قدسی است. معرفت عرفانی معمولاً با خودشناسی، خودسازی و توجه به درون بدست می آید. اگر عرفان اصیل این باشد، عرفان های کاذب یا شبه عرفان و عرفان های نوظهور، جنس بدلی و ساختگی است که این گوهر و آن آثار را ندارد. شبه عرفان های نوظهور هم از شرق (هند، چین، ژاپن) و هم از غرب (آمریکای شمالی و جنوبی) وارد شده اند و عمده مخاطبان آنها نسل جوان و گاهی تحصیل کرده هستند. اینان چون به حقّانیت هیچ دینی ایمان ندارند؛ لذا از مشترکات ادیان و مکاتب، دینی جدید می سازند؛ درحالی که اگر حقّانیت هر دینی مشکوک باشد،

دلیلی نیست که مشترکات آنها حق باشد. عرفان را به اصیل و غیراصیل، دینی و غیردینی، دینی معتبر (ناب) و غیرمعتبر (مشوب) می توان تقسیم نمود.

حاصل این تقسیم بندی شش نوع عرفان است ؛

• عرفان غیراصیل غیردینی ؛ اغلب عرفان های نوظهور دروغین از این دسته اند.

• عرفان اصیل غیردینی ؛ مانند عرفان نوافلاطونیان که از روی خلوص نیت و تهذیب نفس به حقایقی رسیده اند که به دلیل دوری از تعالیم انبیا ناقص و مشوب می باشد که البته به طور گذرا فقط عنوان کردیم.

• عرفان غیردینی ؛ عرفان ادیان جعلی و به غیر از ادیان ابراهیمی که این نوع عرفان ها مانند عرفان بودایی از اساس کاذب هستند.

• عرفان دینی ؛ عرفان ادیانی که در اصل حق بوده اما دچار تحریف و انحراف گردیده یا نسخ شده اند و این عرفان ها مانند عرفان مسیحی حکم آن ادیان را داشته و در نتیجه ناقص می باشند.

• عرفان دینی غیرمعتبر ؛ عرفان برخاسته از دین حق و وابسته به آن که در مسیرش دچار انحراف و اعوجاج گردیده است. این نوع عرفان ها مانند برخی از فرقه های تصوف نیز مشوب و نیازمند به تصحیح هستند.

• عرفان دینی معتبر (ناب) ؛ عرفان برخاسته از دین حق و وابسته به آن که در صراط مستقیم دین حق قرار دارد. این همان عرفان معتبر، مطلوب و برتری است که ما از آن به «عرفان ناب شیعی» تعبیر می کنیم.

برای شناخت عرفان ناب و نیل به آن، لازم است که فرد با تهذیب نفس و تزکیه دل، به تأمل و تعمق در قرآن، سنت و سیره معصومین علیهم السلام پردازد؛ همچنین برای عبرت و دوری از لغزش ها و خطاها، لازم است که فرد به سرچشمه عرفان های ناقص و شبه عرفان

توجه کند. چنانچه بررسی شد؛ عرفانهای نوظهور قائل به اباحی گری، تفویض، الوهیت بشری، نفی خدا، تثلیث، تناسخ، ادعای نبوت، سکولاریسم، پلورالیسم، اومانیزم که از مصادیق کفر و الحاد و شرک شمرده شده است، می‌باشند. بنابراین در حوزه مبانی فقهی سه عنصر «افساد فی الارض» و «ارتداد» و «بدعت» مطرح می‌باشد و در حوزه حقوقی عناوین مجرمانه ی اخلال در نظم و امنیت عمومی و ایجاد گسست در وحدت و آرامش روانی و بهداشت دینی جامعه، ایجاد تشکیک و سست نمودن پایه های دینی، ایجاد شبکه های سازمان یافته برای اعمال مجرمانه، تحصیل مال نامشروع از طریق خسارت به اشخاص و کلاهبرداری، انجام فحشا و ارتکاب افعال حرام (مانند جادوگری و اعمال منافی عفت و...) و نیز تکثیر محتوای غیرآموزشی و دخالت غیرمجاز در امورآموزش دینی در قالب کتاب و بسته های سمعی و بصری، ایجاد و اشاعه بدعت و افکارضالّه، فتنه گری و به تبع آن سست کردن پایه‌های نظام، ادعاهای دروغین درمورد مدارک تحصیلی و به تبع آن دخالت در امور تخصصی درمانی و تکرار جرم (حدی و تعزیری) و مداومت و اصرار براین قبیل فعالیت‌ها می‌باشد.

پیشنهادهات

به اعتقاد اینجانب همچنان لازم است تا تحقیقاتی گسترده ترحول موضوع ادله برخورد با عرفان‌های نوظهور و مصادیق فرّاق انحرافی در جامعه صورت گرفته و به شکل ریزتر موشکافی شود. برخی موضوعات دیگر ذیل این تحقیق می‌تواند در تحقیقات بعدی مدنظر قرار گیرد که عبارتند از؛ الف) آثار جهل و اشتباه عضویت اعضا در فرّاق انحرافی بر مبنای فقه و حقوق و پیامدهای آن در مسائل کیفری.

ب) اثر توبه در جرائم حدی مرتبط با فعالیت سازمان یافته در عرفان‌های نوظهور و فرقه های ضالّه

ج) ادله اثبات جرائم علیه منافع ملّی در فعالیت فرقه های انحرافی

د) تفاوت آزادی ادیان و فعالیت عرفان‌های نوظهور در اصول حاکم بر روابط بین الملل اسلامی

ه) بررسی استرداد مجرمین در فعالیت‌های مرتبط با باندهای دروغین مذهبی در فقه و حقوق

و) بررسی فقهی اغفال در فعالیت‌های مرتبط با عرفان‌های نوظهور و فرق انحرافی

ز) بررسی فقهی و حقوقی درهریک از فرق انحرافی و عرفان‌های نوظهور به طور مجزا

امید است این نوشتار مرضی حق تعالی و ائمه معصومین علیهم السلام قرار گرفته و موجبات خرسندی اساتید و پژوهشگران را فراهم نموده باشد.

والسلام.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- الگار، حامد، وهابی گری، ۱۳۸۷، ترجمه احدنمایی، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی
- جامی، نورالدین عبدالرحمن احمد، نفحات الانس من حضرات القدس، ۱۳۷۰، تهران، اطلاعات
- جعفری، محمد تقی، عرفان اسلامی، ۱۳۸۷، تهران، موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری
- جوادی آملی، عبدالله، عرفان و حماسه، ۱۳۷۲، مرکز نشر فرهنگی رجاء
- چشمه نور و پوریانی، مرتضی و جابر، در قلمرو تاریکی (خلاصه ای از عملکرد فرقه های ضاله و عرفان های کاذب در کشور)، ۱۳۹۳، تهران، انتشارات شهید صیاد شیرازی
- خمینی، سید حسن، فرهنگ جامع فرق اسلامی، ۱۳۸۹، جلد اول، چاپ اول، انتشارات اطلاعات
- دمانندی، مجتبی، جادو در اقوام، ادیان و بازتاب آن در ادب فارسی، ۱۳۸۸، چاپ اول، سمنان، انتشارات دانشگاه سمنان
- سید رضی، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، ۱۳۸۴، چاپ هفتم، قم، موسسه انتشاراتی موعود اسلام
- زیبایی نژاد، محمدرضا، تاریخ و کلام مسیحیت تابستان، ۱۳۷۵، قم، معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی
- عین القضاة همدانی، ابوالمعالی، تمهیدات، تصحیح عقیف عسیران، جلد اول، کتابخانه منوچهری
- ملاصدرا شیرازی، محمد بن ابراهیم قوام، حکمت متعالیه، ۱۳۶۹، قم، منشورات مصطفوی

- قمی، علی بن محمد، جامع الخلاف والوفاق، ۱۳۷۹ش، قم، زمینه سازان ظهور
- گروهی از نویسندگان، مجموعه مقالات فارسی کنگره بین المللی ثقة الاسلام کلینی، ۱۳۸۷، قم، ناشر دارالحدیث
- لاهیجی، شمس الدین محمد، مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز، ۱۳۸۳، تهران، زوار
- مبلغی آبادانی، عبدالله، تاریخ ادیان و مذاهب جهان، ۱۳۷۳، جلد اول، بی جا، انتشارات منطق (سینا)
- مشکور، محمد جواد، تاریخ شیعه و فرقه های اسلام تا قرن چهارم، ۱۳۸۵، چاپ هفتم، تهران، اشراقی
- مصباح یزدی، محمد تقی، در جستجوی عرفان، ۱۳۸۶، قم، مرکز انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
- مطهری، مرتضی، آشنایی با علوم اسلامی کلام - عرفان - حکمت عملی، ۱۳۶۷، انتشارات صدرا
- مظاهری سیف، حمیدرضا، جریان شناسی انتقادی عرفان های نوظهور، ۱۳۸۷، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
- یثربی، یحیی، فلسفه عرفان، ۱۳۸۷، قم، بوستان کتاب
- یزدان پناه، یدالله، مبانی و اصول عرفان نظری، ۱۳۸۸، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

ب. منابع عربی

- اب، فاضل، حسن بن ابی طالب یوسفی، کشف الرموز، فی شرح مختصر النافع، ۲ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسی حوزه علمیه قم، قم - ایران، چاپ سوم، ۱۴۱۷ق.
- ابن فارس، احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقاییس اللغة، ۶ جلد، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم - ایران، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.

- ابن قدامه، عبدالله بن احمد، المغنی، ۱۲ جلد، دارالکتب العربی، بیروت، ۱۴۲۰ق.
- ابن منظور، ابوالفضل، جمال الدین، محمد بن مکرم، لسان العرب، ۱۵ جلد، دارالفکر للطباعة و الشر و التوزیع - دار صادر، بیروت - لبنان، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
- احسائی، ابن بی جمهور، محمد بن علی، عوالی اللثالی العزیزیه، ۴ جلد، دار سید الشهداء، للنشر، قم - ایران، چاپ اول، ۱۴۰۵ق.
- اصفهانی، حسین بن محمد راغب، مفردات الفاظ القرآن، در یک جلد، دارالعلم - الدار الشامیه، لبنان - سوریه، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
- اصفهانی، سید ابوالحسن، وسیله النجاه (مع حواشی امام خمینی)، در یک جلد، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، قم - ایران، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
- اصفهانی، مجلس دوم، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الانوار، ۳۳ جلد، موسسه الطبع و النشر، بیروت - لبنان، چاپ اثیریال ۱۴۱۰ق.
- انصاری، شیخ مرتضی بن محمد امین، کتاب المکاسب (للشیخ الانصاری، ط - الحدیثه)، ۶ جلد، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، قم - ایران، اول، ۱۴۱۵ق.
- بجنوردی، سید حسن ابن آقا بزرگ موسوی، القواعد الفقیهه (للبجنوردی، السید حسن)، ۷ جلد، نشر الهادی، قم - ایران، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
- بغدادی، مفید، محمد بن محمد نعمان عکبری، المقنعه، دذر یک جلد، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید - رحمه الله علیه، قم - ایران، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
- بهبهانی، محمد باقر بن محمد اکمل، رساله علمیه متاجر وحید بهبهانی (با تعلیقات میرزای شیرازی)، در یک جلد، حاج شیخ رضا تاجر تهرانی، تهران - ایران، چاپ اول، ۱۳۱۰ق.
- تبریزی، جواد بن علی، ارشاد الطالب علی المکاسب، ۴ جلد، موسسه اسماعیلیان، قم - ایران، چاپ سوم، ۱۴۱۶ق.
- تبریزی، جواد بن علی، منهاج الصالحین، ۲ جلد، مجمع امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه) قم، اران، چاپ اول، ۱۴۲۶ق.

- جزری، ابن امیر، مبارک بن محمد، النهایه فی ریب الحدیث و الاثر، ۵ جلد، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم - ایران، چاپ اول، ۱۴۲۱ق.
- جوهری، اسماعل بن حماد، الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیه، ۶ جلد، دارالعلم للملایین، بیروت - لبنان، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
- حائری، سید علی بن محمد طباطبایی، ریاض المسائل (ط - القدیمیة)، ۲ جلد، موسسه آل بیت علیهم السلام، قم - ایران، چاپ اول، ۱۴۲۴ق.
- حسینی عاملی، سید محمد جواد، مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه، موسسه النشر الاسلامیه، قم، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
- حلّی، ابن ادريس، محمد بن منصور بن احمد، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ۳ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
- حلّی، جمال الدین، احمد بن محمد اسدی، المذهب البارع فی شرح المختصر النافع، ۵ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، چاپ اول، ۱۴۰۷ق.
- حلّی، علامه حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، تذکره الفقهاء، ۱۴ جلد، موسسه آل البيت علیهم السلام، قم - ایران، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
- حلّی، علامه حسن بن یوسف بن مطهر الاسدی، مختلف الشیعه، تحقیق لحنه التحقيق موسسه النشر الاسلامیه، قم، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
- حلّی، علامه حسن بن یوسف بنمطهر اسدی، ارشاد الاذهان الی احکام ایمان، ۲ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
- حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، تبصره المتعلّمین فی احکام الدین، دریک جلد، موسسه چاپ و نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.

- خراسانی، آخوند محمد کاظم بن حسین، حاشیه المکاسب در یک جلد، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران- ایران، چاپ اول، ۱۴۰۶ق.
- خمینی، سید روح الله موسوی، تحریر الوسیله، ۲ جلد، موسسه مطبوعات دارالعلم، قم- ایران، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
- خمینی، سید روح الله موسوی، زبده الاحکام، در یک جلد، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران- ایران، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
- خمینی، سید روح الله موسوی، کتاب ایبع، ۵ جلد، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، تهران، ۱۴۰۴هـ.ق
- خوانساری، سید احمد بن یوسف، جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، ۷ جلد، موسسه اسماعیلیان، قم- ایران، چاپ دوم، ۱۴۰۵ق.
- خویی، سید ابوالقاسم، المستند فی شرح العروه الوثقی، ۱۴۱۲ق.
- زمخشری، ابوالقاسم محمود بن عمر، الفائق فی غریب الحدیث، ۴ جلد، دارالکتب العلمیه، بیروت- لبنان، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
- سبزواری، سید عبدالاعلی، مهذب الاحکام، ۳ جلد، موسسه المنار- دفتر حضرت آیه الله، قم- ایران، چاپ چهارم، ۱۴۱۳ق.
- سنهوری، عبدالرزاق احمد، الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۱ق.
- سنهوری، عبدالرزاق، احمد نظریه العقد، منشورات الحلبي الحقوقیه، بیروت، چاپ دوم، ۱۹۹۸
- شیرازی، سید محمد حسینی، ابطال الطالب الی المکاسب، ۱۶ جلد، منشورات اعلمی، تهران- ایران، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
- طباطبایی، علامه سید محمد حسین، المیزان فیتفسیر القرآن، موسسه الاعلمی فی المطبوعات، بیروت- لبنان، ۱۴۲۲ق.
- طرابلسی، قاضی ابن یراج عبد العزیز، جواهر الفقه، قم، موسسه النشر الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.

- طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، ارسائلالعشر، در یک جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم- ایران، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.
- طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه امامیه، ۸ جلد، المکتبه المرتضویه حیات الآثار، تهران- ایران، چاپ سوم، ۱۳۸۷ق.
- طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، ۱۰ جلد، دارالکتب اسلامی، تهران- ایران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
- عاملی، شهید اول، جمال الدین محمد بن مکی، لدروس الشرعیه فی فقه الامایه، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۲ق.
- عاملی، شهید اول، محمد بن مکی، الدروس الشرعیه فی فقه امامیه، ۳ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم- ایران، چاپ دوم، ۱۴۱۷ق.
- عاملی، شهید اول، محمد بن مکی، غایه المراد فی شرح نکت ارشاد، ۴ جلد، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم- ایران، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
- عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی حاشیه ارشاد، ۴ جلد، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم- ایران، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
- عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۱۱ق.
- عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، الروضه البهیة فی شرح اللمعه المدمشقیه (المحشی، سلطان العلماء، ۲ جلد، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
- قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، ۷ جلد، دارالکتب اسلامی، تهران- ایران، ششم، ۱۴۱۲ق.
- قمی، سید تقی طباطبایی، الدلائل فی شرح منتخب المسائل، ۵ جلد، کتابفروشی محلاتی، قم- ایران، ۱۴۲۳ق.

- کاشف الغطا، محمد حسین، تحریر المجله، دو جلد، نجف اشرف - عراق، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
- کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب، الکافی، ۱۵ جلد، دارالحديث للطباعة و النشر، قم - ایران، چاپ اول، ۱۴۲۹ق.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، المقنعه، در یک جلد، قم، تحقیق و نشر موسسه النشر الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
- نائینی، میرزا محمد حسین غروی، منیه الطالب فی حاشیه المکاسب، ۲ جلد، المکتبه المحمديه، تهران - ایران، چاپ اول، ۱۳۷۳ق.
- یزدی، سید محمد کاظم طباطبایی، تکمله المروه الوثقی، ۲ جلد، کتابفروشی داوری، قم - ایران، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
- یزدی، سید مصطفی محقق داماد، قواعد فقه (محقق داماد)، ۴ جلد، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران - ایران، چاپ دوازدهم، ۱۴۰۶ق.



جهاد دانشگاهی



Academia.edu



TBBIN.com



CiteFactor



Symposia



JREF.IR



DRJI



CIVILICA



CONF PAPER



ESJI



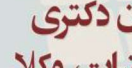
ICI WORLD OF JOURNALS



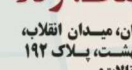
Baltamayah.com



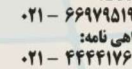
science alert



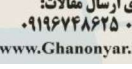
easyPapers



CONF



INDEX COPERNICUS



کنفرانس یاب

موسسه قانون یار

با همکاری مراکز علمی و دانشگاه های داخلی و خارج از کشور همچون مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی و نمایه مقالات در سایت sid.ir (دانشگاه بین المللی رهنورد/بلخ/افغانستان)
(موسسه بین المللی icsi world of journals/ورشو/لهستان)
(انجمن علمی بین المللی citefactor/citefactor/آریزونا)
برگزار می کند:

همایش ملی مطالعات حقوقی، علوم قضایی پژوهش های اجتماعی

۱۳ خرداد ۱۴۰۰ - تهران

داوری زود هنگام مقالات

استان تهران-موسسه قانون یار

محورهای همایش:

- * مقالات در گرایش های حقوق خصوصی، حقوق جزا
- * حقوق عمومی، حقوق بین الملل، حقوق قضایی، فقهی و
- * مقالات در گرایش های علوم ثبتی و علوم اقتصادی و بانکی
- * مقالات در گرایش ها و موضوعات علوم اجتماعی و علوم تربیتی

روش های ارسال مقالات به همایش:

- * ارسال فایل Word مقاله (به همراه شماره تماس) به ایمیل Phdsara@yahoo.com
- * ارسال فایل Word مقاله به واتس آپ یا تگرام شماره ۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۲







به ده مقاله برتر و برگزیده همایش، ده تقدیمی به همراه تقدیرنامه مخصوص اعطا می گردد. به مقالات ارسالی و پذیرفته شده پژوهشگران، گواهی نامه معتبر اعطا می گردد. تمامی مقالات همایش در پایگاه ها و سایت های ملی و بین المللی نمایه و درج می گردند. داوری مقالات حداکثر سه روز می باشد و گواهی نامه در کمتر از یک هفته صادر می شود.



دانشگاه رهنورد



جمهوری اسلامی ایران

جهت تقویت رزومه داوطلبان آزمون دکتری اساتید دانشگاه، قضات، وکلا

دیرخانه: تهران، میدان انقلاب، خیابان اردیبهشت، پلاک ۱۹۲
واحد پذیرش مقالات: ۵۲۶ و ۶۶۹۷۹۵۱۹ - ۰۲۱
واحد صدور گواهی نامه: ۴۴۴۴۱۷۶۴ - ۰۲۱
مشاور و راهنمای ارسال مقالات: ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵ - ۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۲

www.Chanonyar.ir www.Olomensani.ir